

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

هیأت تحریر آذرخش

۲۰ اگست ۲۰۱۱

با استفاده ازین فرصت ، هیأت تحریر «آذرخش» آغازچهارمین سال نشراتی پورتال باشکوه و ملی – مترقی «افغانستان آزاد – آزاد افغانستان» را به مسؤلین مبارز، وطنپرست ودلیران تبریک و تهنیت گفته ، موفقیت های مزید و فوق العاده شان را در راه خدمت به مردم دردمند و ستمدیده افغانستان و افشاء و طرد دشمنان گوناگون آنها آرزو می کند.

## جاودان باد حماسه خلق دلیر ما در رهائی از چنگ استعمار انگلیس

چه با شکوه و غرور آفرین است تجلیل از سالگرد استرداد استقلال کشور. در شرایط استعماری موجود در افغانستان ، تجلیل از این روز پر عظمت تاریخی توسط مراجع نیک نامی چون پورتال آزادگان - پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" - بدان می ماند که در فضای بسته، در سال یک بار، روزنه ای فراخ بردامنه ای وسیع وشاداب ، باز شود و بسملان فرورفته درخفقان و هجران آزادی و بهروزی ، موقتاً با استشمام هوای صاف و معطر، نفس تازه نمایند. آری! در شرایط موجود که قلمروکشور آبائی ما زیر سم ستوران استعمار و ارتجاع دمسازبان ، در اشغال قرار دارد و مردمان آزاده و سرفراز سرزمین ما، به بیرحمانه ترین اشکال به اسارت وانقیاد کشانده می شوند، این فقط فرزندان پاکباز و صدیق افغانستان اند که می توانند ادعا کنند که وارثان حقیقی نیاکان شجاع وتهمتن خود اند که در نود و دو سال پیش از امروز، پوزه یکی از هارترین و متکبرترین جانوران استعمارگرتاریخ یعنی برتانیای کبیر را به خاک ذلت و خفت مالیدند و به فرد فرد جامعه بشری ثابت ساختند که "خانه ظلم خراب است" و بیگانه متجاوز هر قدر هم از امکانات مادی و حربی پیشرفته و شرایط سازگار بهره مند باشد، محال است اراده یک ملت مصمم و عاشق آزادی و آزادی را در هم شکسته و مردمان با شرافت و تسلیم ناپذیران را به بردگی و بندگی بکشاند.

پس مبرهن است که منادیان "روشنفکر" و "دموکرات" استعمار که با ارتجاع مذهبی و چندسر، برای عین مرام نهائی یعنی به پیروزی رساندن طرح های استعماری تلاش دارند، قادر نخواهند بود خود را ارج گذاران مبارزان جنگ استقلال کشور جازده و خاک به چشم ملت بپاشند. این طیف و ظن فروش که به سان خود فروخته رسوا - داکتر رنگین سپتا - هم با و ظن فروشان شرف باخته خلقی - پر چمی دمساز بوده اند و هم با جنگ سالاران ، و هم متمایل با مصالحه با جانوران طالبی ، هیچگاه قادر نخواهند شد از آغوش اشغالگران و خوشخدمتی بی ریا به آنها ، بانگ درود به شهدای جانباز جنگ استقلال میهن را بلند نمایند.

چنانکه اضافه از ده سال تجربه به اثبات رسانید، اداره مستعمراتی کابل در شب و روز ۱۹ اگست، دچار کابوس مدهش شده و مجبوریه بازی نمودن دشوارترین پرده درامه مختلط و ظن فروشی و "وطنخواهی" می شود. عمامه بلند بستن حامد کرزی و اکت و ادا در آوردن ناجوروی به تقلید از میرویس هوتک، وی را در شب و روز تجلیل از استرداد استقلال کشور به آن و امیدارد که به "افغان آزاد" تظاهر نماید و وانمود سازد که گویا سیاست استعماری آن زمان هند برتانوی را تقبیح نموده از استرداد استقلال کشور استقبال به عمل می آورد. به جز آنانی که که حمق ذاتی شان آن ها را به پذیرش درامه استعماری می کشاند و یا آنانی که به منظور استمرار جیره خود بر آن صحنه خواهند گذاشت، کدام افغان آزاده ، با غرور و با وجدان ، فریب حیل و خیمه شب بازی های نوکران قدرت های اشغالگر را خواهند خورد؟ چگونه ممکن است با حضور هزاران عسکر و افسر برتانوی در خاک آبائی ما، به علاوه هزاران عسکر و افسر ممالک عضو پیمان "ناتو" ، ملت ما بتواند استرداد استقلال کشور خود را تجلیل نماید؟ خود اشغال نافی استقلال است. پس ایادی اشغالگران چه چیزی را تجلیل خواهند نمود به جز فریب؟ هموطنان شاهد بوده اند که به اساس همین واقعیت عینی و انکارناپذیر، اداره مستعمراتی کابل از یک دهه به اینسو ، یا خیلی رنگ و رو رفته از روز تاریخی استقلال کشور "تجلیل" به عمل آورده است و یاهم، با بهانه هائی از قبیل وخیم بودن اوضاع و احتمال حمله طالبان و امثال اینها خواسته است تا از رنجاندن خاطر با داران انگلیسی خود جلوگیری به عمل آورد. شهزاده هری ، پسر شهزاده چارلز و ولیعهد انگیس، آیا برای آن به خدمت زیر بیرق به افغانستان رفته بود تا شکست قرن بیست هند برتانوی را "پیروزی" انگیس وانمود نماید، و یا این که از «کرزی» و حواریون بشنود که انگیس به مقتضی ترین شکل در این سرزمین دلاوران شکست تاریخی خورده و زنجیره امپراتوری آن از هم گسست؟

هرافغان با بصیرت به آسانی به این حقیقت تلخ پی می برد که دشمن سوگند خورده و زخم خورده ای که قریب به صدسال پیش به اثر ایثار و از خود گذری نیاکان آزاده ما از در رانده شد، امروز به دستگیری و جاکشی نوکران "مترقی" و "دموکرات" و انواع و اقسام جواسیس پرورده شده دامن غرب ، از دریچه دوباره وارد خانه مشترک ما شده است. پس چسان ممکن است سخن از تجلیل استرداد استقلال کشور زد؟ ملت ما امروز در یک جنگ نابرابر دیگر، در برابر یک ابر قدرت دیگر برای استرداد استقلال خود به پا خاسته است. دشمن اینبار پیشرفته ترین امکانات تخدیر اذهان و تحریف افکار را در دست دارد و رقیب استعماری هم وزنی هم در مقابل خود نمی بیند. ازینجاست که مبارزه خلق ما برای استرداد استقلال شان ، پیچیده ترین و دشوارترین شکل را به خود می گیرد. ازینجاست که دشمن استعماری ، متحدین اشغالگران ، اداره مستعمراتی مستقر در کابل و مطبوعات امپریالیستی جهانی، هر نمودی از آزادیخواهی و استقلال طلبی مردم ما را مُهر طالب می زنند تا جهانیان با تجسم چهره های کریم جانوران طالبی و افکار پوپنک زده قرون وسطائی آنها ، به استعمار حق بدهند تا "شورشبان" را سرکوب نمایند.

هرگاه این طالبان بودند که امروز بر *برتش کاتسل* در کابل حمله ور شدند، پس این احساس لائیک (غیرمذهبی) را از کجا الهام گرفتند؟ حامیان پاکستانی و سعودی آنها چه وقتی مدافع غرور ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ما بوده اند که امروز چنان الهام والا را به نوکران بی مغز خود القا نموده باشند؟ از طرف دیگر، مفسران دراک و فهیم پورتال با شکوه «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» در تحلیل های خود آشکار نمودند که انگیس ها در ضدیت با رقیب استعماری امریکائی خود، طالبان را در پشت پرده حمایتی نموده حتماً برای به تحلیل بردن قوای جنگی امریکا، آنها را به مناطق آرام (آنوقت، مثلاً صفحات شمال) افغانستان ذریعۀ هیلیکوپتر انتقال می دادند تا آنها با باداران قبلی امریکائی خود مصاف داده، طرح های استعماری انگیس را به اجراء در آورند.

پس منطقاً نمی توان قبول کرد که پایه ای لجام گسیخته و بربر بتواند پیام آور ضد استعماری در یک روز پس مهم ملی و تاریخی ما بوده و دقیقاً در همانجائی حمله ور شود که از نگاه سمبول، مرکز عصبی انگریز، به حساب می آید؛ جائی که استعمارگر فاشیست و خونخوار تظاهر به تمدن، معرفت و فرهنگ می نماید... و انتظار دارد تا ملت سرفراز و زنجیر شکن ما، نقاب فریبندۀ آن را تکریم نموده آن را "مقدس" دارد. یا اینست که طالبان با بهره برداری از احساسات ضد استعماری و ضد انگلیسی مردم ما، به مصادره چنین رویدادی دست زده اند؛ به همانگونه که هر عملیات ضد استعماری در افغانستان را عملیات خود جا می زنند که همسو با تبلیغات و منافع اشغالگران است. و یا اینکه در تماس با مردم در مناطق زیر اداره شان، طالبان در یک روند ناخواسته از ادیخواهی قرار گرفته اند. هرگاه چنین باشد، "تمایلات ملی" طالبان فقط واکنشی بوده به هیچ صورت نمی تواند جدی، بابرنامه، پیگیر و سرنوشت ساز باشد زیرا موجوداتی که دشمنان سوگند خورده آزادی اند، چگونه ممکن است حامیان آن شوند؟

به هر حال، هر فرد، جمع یا مرجعی که در سنگر واقعی دفاع از قلمرو افغانستان و دفاع از آزادی مردم آن قرار نداشته باشد، قادر نخواهد بود تا از استرداد استقلال آن تجلیل به عمل آورد. در بهترین حالت صحنه سازی های آنها به پکه زدن هوای متعفن در یک فضای بسته شباهت خواهد داشت و بس!

**جاودان بادخاطره شهدای جنگ استقلال کشور!**

**مرگ بر اشغالگران فاشیست و نوکران خود فروخته داخلی آنها!**

**درواه حصول استقلال مهین از چنگال دول استعماری به پیش!**

**در نابودی استعمار مذهبی و غیر مذهبی به پیش!**

**زنده باد آزادی!**

**مرگ بر اسارت!**

هیأت تحریر «آذرخش»

۱۹ اگست ۲۰۱۱